

آخرین فداکاری یک پدر



▲ یوسف حیدری

پرده آخر نمایش زندگی مرد ۵۹ ساله با ایثار و گذشت به پایان رسید و او با اهدای اعضای بدنش، جان چند بیمار نیازمند را از مرگ نجات داد.
بخش پیوند بیمارستان مسیح دانشوری این بار میزان مردی بود که ۷ فرزند او از ایثار و فداکاری‌اش می گفتند. مقدس اسکندری، پسر بزرگ رضا پس از امضای برگ رضایت‌اهدای اعضای بدن پدرش گفت: چند روز قبل حال پدرم به خاطر بالا رفتن فشار خون بد شد. بلافاصله او را به بیمارستان امام حسین(ع) منتقل کردیم. بعد از معاینات اولیه، متوجه شدیم رگ‌های مغز پدرم پاره شده و آمبیدی به زنده ماندن او نیست. او را به بیمارستان دیگری منتقل کردیم اما آزمایش‌هایی که از پدرم گرفتند، مشخص کرد او دچار مرگ مغزی شده و دیگر آمبیدی به بازگشت او نیست. پذیرفتن این واقعیت برای من و خواهر و برادرم بسیار سخت بود. پدرم عاشق فرزندانش بود و همیشه از این که نوه‌هایش کنارش باشند، خوشحال می‌شد. او در این سال‌ها به ما درس زندگی داد و هر بار به ما می گفت پدر باید همیشه از فرزندانش حمایت کند. پدر مثل کوهی بود که به او تکیه می کردیم و بعد از این که به ما گفتند آمبیدی به بازگشت او نیست، تصمیم گرفتیم جان پدران دیگری را که به خاطر از دست دادن عضوی از بدن با مرگ دست و پنجه نرم می کنند، نجات بدهیم. این پسر ادامه داد: پدر توجه ویژه‌ای به همه داشت و سعی می کرد در غم و شادی همه شریک باشد. همیشه تلاشی می کرد به همه کمک کند و وقتی پیشنهاد اهدای اعضای بدن او را دادند، می دانستیم که پدر بعد از مرگ هم هنوز به فکر کمک به دیگران است. اعضای بدن او جان چند پدر دیگر را نجات می دهد تا سایه آنها بار هم بالای سر فرزندان‌شان باشد. او را با افتخار به خانه ابدی‌اش می‌بریم و دوست داریم هر کسی که اعضای بدن پدرم را می گیرد، از آن به خوبی نگهداری کند.

افزایش مرگ و میر ناشی از فشار خون ریوی



تعداد مرگ و میر ناشی از افزایش فشار خون ریوی در دهه گذشته افزایش یافته است.مطالعات مرکز کنترل و پیشگیری از بیماری‌ها نشان می دهد زنان مسن بیشتر در معرض این بیماری قرار دارند اما پرفشاری خون ریوی زنان و مردان را در همه سنین تحت تأثیر قرار می دهد.فشار خون بالا در شریان ریوی حمل اکسیژن و خون را از قلب به ریه‌ها با مشکل روبه رو می کند.به همین خاطر با پرفشاری خون ریوی سمت راست قلب سخت کار کرده و پمپ خون در سراسر بدن مشکل می شود. این وضع معمولاً در کنار سایر بیماری‌ها مانند بیماری‌های قلب و رگ‌های خونی، بیماری‌های ریوی و بیماری‌های کبدی رخ می دهد. بارداری، آپنه خواب، نقص‌های مادرزادی قلب و اختلالات خود ایمنی خاص مانند آرتریت روماتوئید نیز از علل شایع پرفشاری خون ریوی است.علائم این بیماری شامل خستگی، درد قفسه سینه، تنگی نفس هنگام فعالیت‌های روزمره، کاهش اشتها، ضریان قلب سریع و درد در سمت راست بالای شکم است.پژوهشگران می گویند با توجه به افزایش چشمگیر این بیماری و مرگ و میر ناشی از آن تشخیص و درمان پرفشاری خون ریوی ضروری است.این تیم تحقیقاتی نرخ مرگ و میر این بیماری را در بین سال‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۱۰ در بیمارستان ریه آمریکا مورد تجزیه و تحلیل قرار دادند. نتایج نشان داد در طول دوره ۱۰ ساله نرخ مرگ ناشی از پرفشاری خون ریوی در هر سال در زنان به اندازه ۲/۵ درصد و در مردان به اندازه ۱/۹ درصد افزایش یافته است. برای افراد با سن ۸۵ سال و بالاتر این میزان بیش از ۶۵ درصد است. همچنین این میزان در بیماران سیاهپوست ۴۰درصد بیشتر از سفید پوستان بود. همچنین اخبار پزشکی نشان می دهد استفاده از داروهای ضد افسردگی در دوران بارداری ممکن است نوزاد را با افزایش پرفشاری خون ریوی روبه رو کند.

۵ درمان طبیعی آرژوی



با شروع فصل بهار آرژوی‌های فصلی نیز شدت می‌گیرد.بسیاری از افراد در فصل بهار از حساسیت‌های فصلی یا رینیت آلرژیک(تب یونجه) رنج می‌برند. این نوع حساسیت شایع‌ترین نوع فصلی حاصل از گرده‌افشانی گل‌ها، گیاهان و نه لزوماً یونجه است.گفته می‌شود هفده نوع آلرژی در هوا با وزن یا پراکنده می‌شود. آلرژی آروسیا، آلرژی بسیار شایعی است که توسط گیاه آبروسیا از خانواده گل آفتابگردان آزاد می‌شود.برای درمان ماندن از عوارض تجویز آنتی هیستامین‌ها برای تسکین موقت آبریزش و عطسه‌های مکرر و همچنین اسپری‌های بینی و ضداحتقان بهتر است درمان‌های طبیعی را برای حساسیت‌های فصلی در نظر بگیرید.

گیاه باتریور: این گیاه در کنترل علائم تب یونجه بسیار مؤثر است.دکتر «فرسل بلیلاک» می‌گوید این گیاه دارای ترکیبات سیتربزینی است که از آزاد شدن علائم تب یونجه جلوگیری می‌کند.

کورستین: کورستین آنتی اکسیدانی است که در بسیاری از میوه‌ها و سبزیجات مانند سیب و پیاز یافت می‌شود و به عنوان یک ضد التهاب طبیعی به سرکوب علائم آلرژی کمک می‌کند.مطالعات ژاپنی‌ها نشان می‌دهد، کورستین با کاهش هیستامین‌های آزاد شده از سلول‌ها،خارش و سوزش چشم را در افراد مبتلا به آلرژی گرده در بهار کم می‌کند.

گزنه: کارشناسان حوزه بهداشت در یک کارآزمایی نشان دادند گیاه خشک گزنه و عصاره آن برای کاهش عطسه‌های فصلی مفید است.

ویتامین د: تحقیقات دانشگاه هاروارد نشان می‌دهد بین سطوح پایین ویتامین د و آلرژی و آسم ارتباط وجود دارد.به عنوان مثال مادرانی که کمبود ویتامین د داشتند، رشد ۴۰درصدی را در فرزندان مبتلا به آسم شاهد بودند.

طب سوزنی: مطالعات منتشر شده از طب چینی نشان داده طب سوزنی علائم تب یونجه را کم می‌کند، گفته می‌شود در گروه آزمایش در تحقیقات طب سوزنی، علائم آلرژی پس از دواور استفاده از این روش درمانی از بین رفت.
عسل: عمل طبیعی که از گرده گل و گیاه ساخته شده ایمنی بدن را در مقابل آلرژن‌هایی مانند گرده‌ها افزایش می‌دهد.با گیاه کردن یک قرصک چایخوری عسل طبیعی به رژیم غذایی روزانه از علائم آلرژی در امان باشید.ایمنولوژیست‌ها دریافتند در مورد بیماریاری که به گرده درخت «غان» حساسیت داشتند نشانه‌های بیماری تا ۶۰ درصد با مصرف عسل کاهش می‌یابد.

اوضاع پیچیده زندگی مدرن لبخندها را از چهره‌ها محو کرده و غم و افسردگی را مهمان چهره ساکنان شهر کرده است به نظر می‌رسد از لبخندهای انسان‌های قدیمی که گاهی در قالب تصویر نشان داده می‌شد، خبری نیست و هیاهوی شهر خنده را به فراموشی سپرده و بهانه‌های کوچک برای خنده و شادی جایش را به رویاهایی داده که خنده را تا آخر عمر از چهره‌های در هم تنیده و عبوس دور می‌کند. به گفته **دکتر پیمان رحیمی‌نژاد** متخصص شاخه روانشناسی مثبت و طراح اصلی عکاسی از لبخند اجتماعی.در جامعه ما آدم‌ها سخت می‌خندند به‌طوری که آخرین سرشماری که توسط مؤسسه پژوهشی گالوپ در دنیا انجام شده نشان می‌دهد رتبه شادی ایران در بین ۲۲۰ کشور دنیا ۲۰۲ است این موضوع که بر مبنای سبک زندگی افراد تعیین شده، کمی نگران کننده است.اگرچه به تصویر کشیدن قفر و بدختی افراد بیشتر سوز‌های عکاسی را تشکیل می‌دهند، اما به اعتقاد دکتر رحیمی‌نژاد انسان‌ها در بدترین شرایط هم می‌توانند بخندند و به زندگی نگاه مثبتی داشته باشند. **دکتر مجید صفاری‌نیا** رئیس انجمن روانشناسان اجتماعی ایران و **دکتر پیمان رحیمی‌نژاد** به همراه تیم عکاسی برای نخستین بار در نمایشگاه لبخند اجتماعی، عکس‌های لبخند افراد جامعه را در معرض نمایش قرار دادند.

بهاره سیدی عکاس ۲۷ساله، فوق لیسانس رشته عکاسی که به همراه متین نوری عکاس ۳۲ ساله و فوق دیپلم گرافیک با عکاسی بیش از ۱۰۰ مورد سوز‌ه لبخند افراد جامعه از گوشه و کنار شهر تصاویر زیبایی را خلق کردند و ۳۰عکس برگزیده را در نمایشگاه لبخند اجتماعی در معرض تماشا قرار دادند. در این مورد با ما به گفت و گو نشست.

عکاسی را از چه زمانی به‌طور حرفه‌ای شروع کردید؟

از کودکی هنر با زندگی‌ام گره خورده بود هر وقت حوصله‌ام سر می‌رفت به نقاشی پناه می‌بردم بعدها نقاشی روی شیشه و سفال رنگ تفریح زندگی‌ام شد با این حال فکر نمی‌کردم روزی عکاس شوم گاهی دوربین را برمی داشتم و از در و دیوار خانه و طبیعت عکس می‌گرفتم کم کم علاقه‌ام به عکاسی با تشویق‌های یکی از دوستان پدر که عکاس حرفه‌ای بود و یکی از دوستانم گرافیک خوانده بود بیشتر و بیشتر شد هر اندازه که با هنر عکاسی بیشتر آشنا می‌شدم اراده و انگیزه‌ام نیز قوی‌تر می‌شد با وجود این خانواده‌ام هنر را به عنوان یک رشته تحصیلی و دانشگاهی قبول نداشتند بعد از این که در رشته ریاضی دیپلم گرفتم تصمیم گرفتم جای خالی هنر را در زندگی‌ام پر کنم قبولی‌ام در رشته عکاسی آغزای نو برای زندگی با لنز دوربین بود.از آن زمان به بعد این هنر بخش جدایی‌ناپذیر زندگی‌ام شد و زندگی را در پشت لنز دوربین به گونه‌ای دیگر تجربه کردم.

عکاسی مستند،هنری یا تجاری کدام یک را بیشتر می‌پسندید؟

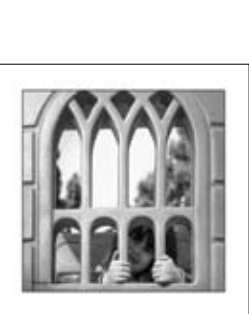
پدرم بهترین رشتنیشان فکری در زندگی هنری‌ام بود. هنر رشته پرهزینه‌ای است، خانواده‌ام نه تنها به لحاظ مالی حمایت‌کم کردند بلکه پدر با به پایم در این مسیر همراهی‌ام می‌کرد. عکاسی محدوده زمانی و مکانی خاصی ندارد برای داشتن اثرهای زیبا و نفیس و مستند به دل کوه و صحرا می‌زدم و تنها کسی که در این راه تنهایم نمی‌گذاشت، پدر بود. تاگفته‌امند در آمدرایزی از اهداف مهم انتخاب هر شغلی است و به همین خاطر عکاسی تبلیغاتی بر پدر تره که صرفاً جنبه تجاری دارند منبع درآمد برایم محسوب می‌شوند، اما اگر بخواهم از علاقه شخصی‌ام بگویم عکاسی مستند به من انرژی می‌دهد این نوع عکاسی در آمدی ندارد.

به‌طور کلی یک عکس خوب و یک عکاس خوب چه ویژگی‌هایی دارد و عکس چه تأثیری بر مخاطب می‌گذارد؟

یک عکاس خوب از طریق عکس دیدگاهش را به تصویر می‌کشد، ولی عکس نباید پایان باز داشته باشد و هر کسی بتواند برداشت شخصی از عکس بکند، بلکه پیام عکس و برداشت شخصی برای مخاطب عام و خاص باید واحد باشد.یک عکس هنری نباید برای قشر خاصی به تصویر کشیده شود و برداشت شخصی نباشد. یک عکس خوب دربر گیرنده مخاطب عام و خاص است و هر فردی با هر ویژگی با آن ارتباط برقرار می‌کند. عکس هنری تنها در حیطه هنر و نه در حیطه تجاری و تبلیغی قرار می‌گیرد.به نظرم هر عکسی جنبه فردی و کنکتنیکال دارد و واقع با مطالعه می‌توان به جنبه کنکتنیکال عکس دسترسی پیدا کرد، اما این دوقد هنری و فردی است که عکاس را متمایز می‌کند. اینکه بگویم هر نوع عکسی روی مخاطب تأثیر می‌گذارد معیار ثابتی ندارد گاهی عکس‌ها با مخاطب حرف می‌زنند و عمق تأثیر گذاری‌شان بیشتر است و گاهی هم عکس به قدری سطحی شکل می‌گیرد که تأثیری در بیننده ندارد.اثر هنری مستکی به بیننده و هنرمند دارد و این دو باید بتوانند با هم ارتباط برقرار کنند.عکس نوعی کانال ارتباطی به لحاظ بصری، تکنیکی و هنری بین عکاس و بیننده است.اگر این کانال ارتباطی محکم باشد بیننده اثر را دنبال خواهد کرد.

چه چیزی شما را به سمت عکاسی از لبخند سوق داد و سوز‌ه‌های عکاسی را در چگونه انتخاب می‌کردید؟

پروژه عکاسی از لبخند اجتماعی توسط انجمن روانشناسان اجتماعی ایران مطرح شد و ابتدا قرار بود از افراد در هر شغل و جایگاه اجتماعی و محیط کار برای جلوی لنز دوربین قرار بگیرند.لبخند زدن و عکس بگیریم.واکنش افراد(با این طرح متفاوت بود) و اغلب با مخالفت افراد روبه رو می‌شد یا کسی ارتباط دوستانه، مردم جلوی لنز دوربین از حالت ژست خود بیرون می‌آمدند و خود واقعی‌شان را بروز می‌دادند.سوالاتی از قبیل این که چه چیزی آن‌ها را خوشحال می‌کند یا چه چیزی داشته‌اش خندند و آیا از زندگی



گفت و گو با بهاره سیدی، عکاس جوانی که خوشحالی مردم شهر را سوز‌ه کرد

شکار لبخندهای گمشده



بود، آن‌ها تنها با همین چند فاکتور خوشحال می‌شدند و خواسته‌های جز این از زندگی نداشتند. پسرهای جوان در هر شغل و موقعیت اجتماعی اغلب خواسته اصلی‌شان پول بود و با فکر کردن به پول و شغل مناسب خوشحال می‌شدند و لبخند می‌زدند بعضی از این خواسته‌ها واقعاً منطقی بود، کودک، پیر و جوان، دختر و پسر و زن و مرد در محیط‌ها و زمان‌های گوناگون جلوی دوربین قرار گرفتند گاهی با بیان جمله‌ای از زندگی لبخند زدند گاهی در لحظه قهقهه سر دادند و گاهی هم چنان در خود فرو می‌رفتند که گویی لبخند زدن سخت و غیر ممکن است.

شان راضی هستند یا خبر سوالاتی بود که از مردم پرسیده شد. در طرح عکاسی از لبخند اجتماعی افسرداشتنه بعد از این که در رشته ریاضی بودند و سعی کردیم لبخند انواع مختلفی از اقشار اجتماعی را به لحاظ نوع شغل محل زندگی،محل کار،موقعیت اجتماعی و... مورد ارزیابی قرار دهیم، اما گاهی هم خواسته‌ها ایده‌آل نبود مانند خودرو مدل بالا یا خانه‌ای که در شمالی‌ترین نقطه تهران باشد. عجیب‌تر آن که دختران جوان زیر ۲۰ سال به دنبال آرایش از سوز‌ه‌ها که مربوط به جز آرایش از زندگی انتظار دیگری نداشتند و با حس آرایش شاد می‌شدند و لبخند می‌زدند.

تعریف دختران جوان از آرایش در زندگی شادی و لذت بردن از زندگی بسود؛ این که وقتی صبح از خواب بیدار می‌شوند مانند روز قبل بر از تکرارهای بیپهوه نباشد، داشتن هدف و برنامه‌ریزی آن‌ها را آرام می‌کرد و وقتی در این فضا قرار می‌گرفتند

دیدگاه

شادی، ضرورت زندگی امروزی

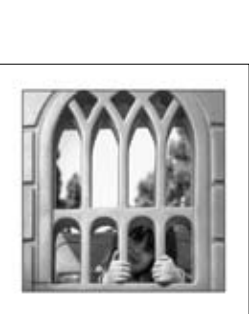


دکتر پیمان رحیمی‌نژاد

متخصص روانشناسی مثبت

چرا شادی برای انسان‌ها در زندگی امروز یک ضرورت است؟ اگر ما یک مشکل روانی حاد رنج نبریم باید گفت افرادی به دنبال شادی هستیم.جامعه ایرانی، جامعه شادی نیست و در برخی موارد حتی شادی‌های ما شادی‌های مصنوعی هستند.در رتبه‌بندی‌های مختلفی که میزان شادی جوامع مختلف را بررسی می‌کنند رتبه شادی ایران از بین ۲۲۰ کشور دنیا ۲۰۲ است بنابراین با توجه به چنین رتبه‌ای می‌توان دلایل رفتارهای اجتماعی و رفتارهای فردی افراد را تعریف کرد، چرا مردم ما راضی هستند و سعی می‌کنند نیمه خالی را بزرگتر از واقعیت نشان دهند یا غر زدن به عنوان یک عکس‌العمل اجتماعی و روانی جزئی از سبک زندگی ایرانیان محسوب می‌شود. بنابراین پرداختن به شادی و شادمانی پایدار در جامعه امروز ایرانی یک نیاز اساسی است.در همه جوامع پیشرفته برای شادی، شادکامی و مثبت نگری تئوری وجود دارد اما سوال مهم اینجاست که چرا جامعه ایرانی تاکنون به فکر ساختن تئوری شادی یا شادمانی نبوده است.باید بدانیم کالتایزه کردن شادی انگیزه‌پذیر نیست نمی‌توانیم بپذیریم برای شادمانی فقط باید از دولت کمک گرفت خود افراد باید این موضوع را به عنوان اصل در زندگی فردی‌شان بپذیرند. تبعات ناشاد بودن اجتماعی و روانی در جامعه ایرانی بروز منفی‌گرایی و درمادگی آموخته شده اجتماعی است.فردی که شادی و نشاط نداشته باشد نمی‌تواند درست تصمیم‌گیری کرده و خلاق باشد.ناشاد بودن تأثیر عمیق بر سلامت اجتماعی و روانی مردم جامعه خواهد داشت به‌طوری که در این موارد هم شاهد بروز آسیب‌های نوپدید هستیم.بر مبنای آمارهای ارائه شده توسط وزارت بهداشت و سازمان‌های دیگر، آمار مبتلایان به بیماری‌های روانی در جامعه روبه افزایش است.طبق آمار وزارت بهداشت نزدیک ۲۲ تا ۲۵ درصد افراد جامعه مبتلا به اختلالات روانی هستند یعنی از هر ۴ نفر یک نفر دچار مشکلات روحی است اما تنها یک چهارم این افراد برای درمان روانشناختی مراجعه می‌کنند و از این افراد تنها ۱۰ تا ۱۵ درصد بیماری خود را پیگیری می‌کنند به همین دلیل این موضوع و پرداختن به امری مانند شادی در جامعه در شرایط کنونی یک ضرورت انکار ناپذیر است. مردم جامعه ما هنوز برای گفت‌وگو و مشاوره با یک روانشناس از باورهای نادرست تبعیت می‌کنند جالب اینجاست که گاه رسانه‌ها نیز همین باور غلط را در رابطه با روانشناسی و مراجعه به روانشناس و روانپزشک در جامعه تقویت می‌کنند اما باید بدانیم امروزه روانشناسی علم بهتر زندگی کردن است.

۱۰ عامل در شاد یا ناشاد بودن افراد دخالت دارد.این عوامل شامل: سرمایه اجتماعی،شخصیت،عزت نفس، معنویت، اوقات فراغت، وضع اقتصادی، رضایت شغلی، سلامت جسمانی، تاهل و جنسیت در بودن و نبودن شادانی نقش دارد. درباره هر کدام از این عوامل می‌توان



دهند جایی که ارتباط بیسن عکاس،دوربین و سوز‌ه شکل می‌گرفت سوز‌ه را از زست بیرون می‌آورد و به لحاظ بصری اثر خوبی به‌دست می‌آسد و خنده و لبخند واقعی را به تصویر می‌کنید.البته خنده و لبخندها به شخصیت و کاراکتر فرد هم بستگی داشت گاهی ته خنده و خوشحالی یک فرد با لبخند ساده روی لب بروز پیدا می‌کند و طبیعتاً نباید همه افراد هنگام شادی قهقهه سر دهند در واقع میزان شادی و خوشحالی افراد با یکدیگر فرق دارد، اما آنچه در این طرح به وضوح قابل مشاهده بود قشر متوسط جامعه به آسانی می‌خندیدند و در برقراری ارتباط سختگیری نمی‌کردند. توقع این گروه از زندگی پایین بود و خانه و زندگی خیلی معمولی را می‌خواستند.افراد پولدار برخلاف تصور عام چیزی آن‌ها را خوشحال نمی‌کرد و تقریباً چیزی برای خوشحالی نداشتند به غیرت دیگر وقتی از آن‌ها پرسیده می‌شد چه چیزی تو را خوشحال می‌کند پاسخی دریافت نمی‌کردی و لبخند از چهره شان به دور بود و اما پول تنها چیزی بود که افراد با درآمد ضعیف از خوشحال می‌کرد.افرادای مانند یک سبزی فروش با کوچکترین چیزی و با فکر کردن به سلامتی فرزندان اش خوشحال می‌شد و لبخند می‌زد این هم در همین حد که با پول روزانه زندگی شان بگذرد راضی و خوشحال بودند.در میان سوز‌ه‌ها برخی از مردان جوان با داشتن همسر خوب و دختران جوان به‌خاطر تحصیلات بالا خوشحال می‌شدند.گروهی در حد نرمال و ایده آل خواسته‌هایی داشتند مثلاً شاگرد مغازه لوستر فروشی با فکر کردن به این که یک روزی او صاحب مغازه شود خوشحال می‌شود. این ته خوشحالی فروشنده لوستر فروشی بود. مردم پایین شهر شادتر از مردم بالا شهر به نظر می‌رسیدند آن‌ها با همان اندک داشته‌ها خوشحال می‌شدند و دغدغه‌هایشان کمتر بود، اما هر چه از مرکز شهر به بالا حرکت می‌کردیم دغدغه افراد بیشتر می‌شد و لبخند زدن کار سختی بود.

کدام سوز‌ه شما را خیلی تحت تأثیر قرار داد و شادترین لبخند را چه کسی به لنز دوربین دیده داد؟

چند مورد از لبخندهایی که عکاسی کردم در نوع خود جالب و تأثیرگذار بودند مثلاً وقتی از روانشناسی پرسیده شد چه چیزی او را خوشحال می‌کند با صدای بلند می‌خندید و گفت ۱۰ سال است فکر نکردم چه چیزی خوشحالم می‌کند، وقتی به این جمله فکر کردم ناخودآگاه خندم گرفت و خوشحال شدم. یکی دیگر از مواردی که هنوزهم در ذهنم به‌خاطر دارم مربوط به عتیقه فروش ۵۰ساله‌ای بود مغازه‌اش حس خوبی به عکابم می‌داد. او سال‌ها پیش معلم بود اما مرد اصلاً نخندید و در عمق چهره‌اش لبخندی پیدا نبود و غم عجیبی در نگاهش موج می‌زد این‌چره اگرچه غمگین نبود ولی حس زندگی در آن لیس نمی‌شد و با همه افرادی که از آن‌ها عکاسی کردم تفاوت داشت.در بین لبخندهای اجتماعی دو مورد بود که واقعاً لبخند را نشان دادند، اولی مربوط به مرد ۲۸ساله‌ای بود که در خانه هنرمندان در قسمت فرهنگی هنری سی‌دی می‌فروخت و گاهی هم ساز می‌زد، خنده او واقعاً در ذهنم حک شده است و با همه خنده‌ها متفاوت بود. وقتی از او پرسیدم چه چیزی شما را خوشحال می‌کند خنده بلندی از ته دل سر داد و گفت: این کار شبیه به نمایش‌هایی است که آدم‌ها را می‌خنداند. سؤال به نظرش مسخره می‌آمد این که یک عکاس دوربین به دست بگیرد و از لبخند مردم عکاسی کند.خندناش واقعاً ته دل بود این خنده در نمایشگاه لبخند در معرض تماشا قرار گرفت.مورد دیگر مربوط به مردی بود که اگر می‌گفتی بخند از ته دلش می‌خندید و اگر می‌گفتی نخند، نمی‌خندید گویا باز بگری بود که هر لحظه امکان اجرای برنامه شاد و درام را توأم با هم داشت. او شاگرد مغازه لوستر فروشی بود و خنده‌هایش اصلاً شبیه به رست نبود شاید بتوان گفت تنها فرد شادی بود که در زندگی‌ام دیدم.

کدام جنس مخاطب چهره‌ای شاد و کدام چهره‌ای غمگین داشت؟

عکاسی از لبخند اجتماعی نشان می‌داد مردها شادتر از زنان هستند و راحت‌تر از آنان می‌خندند و خود واقعی‌شان را جلوی لنز دوربین بروز می‌دهند. اما زنان در جو جامعه خنده‌هایشان را راحت بروز نمی‌دادند گویی نقابی بر چهره داشتند.برای آن‌ها مهم بود که جلوی دوربین ظاهر خوبی داشته باشند و ظاهر خود بیشتر از خنده و ادای اهمیت داشت. به‌طوری که اگر در عکسی چهره شان زیبا می‌شد اجازه چاپ عکس را می‌دادند.همچنین در یکی از عکس‌ها چهره کودک ۳ساله‌ای به نمایش در آمد که غم لبخندش داشت لبخنده زده بود، اما لبخندش واقعی نبود یا کودک دو ساله‌ای که نوع لباس پوشیدنش خود مان را جلب کرد نگاهش عمق داشت و لبخندش پر از شادی و انرژی بود.

عکاسی از لبخند اجتماعی چه تفاوتی با کارهای دیگر شما داشته است؟

در یکی از موارد که مربوط به لبخند پسر سی‌دی‌ها بروز به بهانه موضوع عکاسی‌ام بود حس خوبی از این طرح گرفتم که حداقل توابعم آدم‌ها را خوشحال می‌کند. پس می‌توان در این جامعه که غم و افسردگی در آن حاکم است انسان‌ها را شاد کرد. آن‌ها هنوز هم می‌توانند به بهانه‌های کوچکی بخندند و به یکدیگر لبخند دهند و این بهانه‌ها می‌تواند باعث دقت کنیم و به مباحث روانشناختی و علاقه‌مند شوم در واقع این طرح شروعی بود برای ادامه راهی که برایم رضایت‌بخش بود. بازدیدکننده‌های نمایشگاه لبخند اجتماعی با دیدن خنده مردم می‌خندیدند این همههمه حال و هوای درونی‌ما تغییر کرد و توانستیم به چیزهای کوچکی غمخیز و به خودم بیشتر توجه کنیم و اطرافیانم را بخندانم.دوست دارم یک رگ بار دیگر در سطح وسیع و گسترده‌تر این طرح اجرا شود مردم از ته دل بخندند.